

نحوه نگارش چکیده

در این سلسله نوشتارها، برآنیم که نگاهی از نزدیک و کاربردی به پژوهش داشته باشیم. بسیار مطلوب است که امروزه شاهد رشد پژوهش در حوزه‌های علمیه هستیم. از یک سوی، شور و شوق قابل توجهی را در میان طلاب نسبت به تحقیق شاهدیم و از سوی دیگر، اختصاص جایگاهی رسمی به پژوهش (از طریق تشکیل معاونت‌های پژوهش در مراکز اصلی و فرعی مدیریت حوزه و حتی بسیاری از مدارس علمیه). بودجه‌های قابل توجهی به توسعه امر پژوهش و نهادینه کردن آن اختصاص یافته است، دوره‌ها و جلسات آموزش روش تحقیق اینجا و آنجا برگزار می‌شوند، جشنواره‌های پژوهش‌های برتر بر پا می‌گردند، پایان‌نامه نویسی تحت نظارت استاد راهنما و استاد مشاور، امری مرسوم شده است. همه این امور، نشان از یک تحول مبارک هستند. امید آنکه این راه استمرار یابد. در باب پژوهش و روش آن، آثار متعددی در دسترس است و کلاس‌های غنی و پرباری تشکیل می‌شود، اما در تعلیم، نگاه جزئی و مصداقی به قواعد پژوهش و نحوه انطباق آنها بر مصداق، کمتر به چشم می‌خورد. جای رویکرد کاربردی به پژوهش، جلسات موسوم به «کارگاه‌های پژوهش» است. در این کارگاه‌ها، متعلمین، با نوشتارهایی پژوهشی که دیگران تولید کرده‌اند مواجه می‌شوند و بطور مصداقی با کاستی‌های فنی آنها آشنا می‌گردند و می‌آموزند که چگونه می‌توان این کاستی‌ها را برطرف نمود. همچنین متعلمین، تحت اشراف استاد، خود، به تولید متنی پژوهشی بر اساس قواعد و ضوابط پژوهش مبادرت می‌ورزند. این کارگاه‌ها، به طلاب، امکان عملی پژوهش می‌دهند. تأثیر این کارگاه‌ها در توسعه پژوهش، آنچنان زیاد است که هرگز با افزایش کلاس‌های تئوری پژوهش نمی‌توان بدان دست یافت. بحث مفصل بر سر اهمیت پژوهش، اقسام پژوهش، نحوه موضوع‌یابی، طریق تهیه فیش منبع و فیش مطلب، کیفیت نگارش یک نوشتار حقیقی، شیوه ارجاع دهی و اموری از این دست، هرچند بسیار لازم و ضروری است، اما در دادن قلم بر انگشتان متعلمین و درگیر پژوهشی جدی کردن آنان چندان کارآ نیست. حلقه مفقوده در این میان، همان کارگاه‌های پژوهش است. متأسفانه در این زمان، وجود چنین کارگاه‌هایی به دلایلی همچون کمبود استاد، فقدان الگوهای تدریسی مناسب و کمبود زمان، بسیار نادر است.

با توجه به اهمیت بسیار حیاتی کارگاه پژوهش که در فوق بدان اشاره شد، بر آن شدیم که در این بخش، به ذکر نکاتی کاربردی درباره مقالات پژوهشی که به دستمان می‌رسد بپردازیم. امید آنکه این شبه کارگاه، برای خوانندگان گرامی مفید افتد و گامی در توسعه کارگاه‌های پژوهش باشد.

طلاب گرامی می‌توانند مقالات پژوهشی خود را به نشریه ارسال نمایند و نقاط ضعف و قوت کار خود را در شماره‌های آتی جویا شوند. برای این کار، اگر با یک دوره مباحث تئوری پژوهشی آشنا نیستید، ابتدا باید یک کتاب مفید در این زمینه مطالعه نمایید. پس از آشنایی با نکات تئوریک، مقاله پژوهشی کوتاهی (حداکثر 3500 کلمه) بنویسید و تلاش کنید ضوابط را رعایت نمایید. آنگاه آن مقاله را برای ما ارسال نمایید. تلاش ما بر آن است که همه مقالات رسیده را همراه با نکات توضیحی و انتقادی به طبع برسانیم، اما تا آنجا که گنجایش این بخش به ما اجازه دهد. امکان دارد تنها بخشی از مقاله شما به طبع برسد یا مقاله شما در چند شماره متوالی منتشر گردد. مهم نکاتی است که به صورت مصداقی و موردی، کاستی‌ها را متذکر می‌شوند یا پیشنهادهاتی برای بهتر شدن مقاله شما دارند.

در این شماره، چکیده مقاله «تناسب ذاتی بین الفاظ و معانی» را به قلم آقایان مرتضی محمود خانی، احسان خلیلی و میلاد رضانیان از طلاب گرانقدر مدرسه علمیه حضرت عبدالعظیم علیه السلام می‌آوریم و نکاتی را یادآور می‌شویم.

نکاتی راجع به چکیده نویسی

در مواجهه با الفاظ سؤالاتی به ذهن می‌رسد: آیا واضعی لغات را وضع کرده است؟ وضع چگونه صورت گرفته است؟ سبب وضع چیست؟ واضع کیست؟ پس از بررسی این سؤالات و پاسخ آنها، با سؤال بسیار مهمی روبرو می‌شویم: چرا واضع فلان لفظ را برای فلان معنا وضع کرد و لفظ دیگری وضع نکرد؟ چرا از این اصوات استفاده کرد و این هیئت را برگزید و دیگری را انتخاب نکرد؟ آیا این لفظ ویژگی‌های خاصی داشته که واضع آن را برگزیده است؟

بدون شک، به سبب ویژگی‌ها و خصوصیات که یک لفظ داشته است، واضع آنرا برگزیده است؛ بدیهی است که ترجیح بلا مرجح صورت نگرفته است.

با بررسی در لغات مشاهده می‌کنیم که بین یک لفظ و معنای آن ارتباط و هماهنگی خاصی وجود دارد. بشر در عملیات وضع از ذوقی که خداوند متعال در نهاد او قرار داده است، استفاده می‌کند؛ لذا برای وضع یک لفظ در مقابل معنای مورد نظر، به دنبال لفظی می‌رود که از بین سایر الفاظ با معنای مورد نظر تناسب و ارتباط بیشتری دارد. این ارتباط تناسب ذاتی نامیده می‌شود. موضوع این پژوهش نیز تناسب ذاتی می‌باشد.

طبق این نظریه در آهنگ حروف و چگونگی ترکیب آنها با یکدیگر و هیئت کلمات خاصیتی است که موجب ارتباط و تناسب آنها با معنای اصلی می‌شود. مثلاً بعضی از حروف نرم (مانند حروفی که دارای صفت همس و رخوت هستند) و بعضی درشت (مانند حروفی که دارای صفت جهر و شدت هستند) ادا می‌شوند.

عده‌ای از قدماء و متأخرین قائل به این نظریه هستند و در کتب خود از آن سخن گفته‌اند.

ظاهراً مدعای آنان، جریان داشتن این تناسب در همه الفاظ است. اشکالات متفاوتی به این نظریه وارد است که برخی از آنها نادرست و برخی دیگر مربوط به مدعای قدماء در تقریرشان از تناسب ذاتی می‌باشد.

در بررسی و تفحص به نتیجه‌ای متفاوت (نسبت به تقریر قدمات) دست یافتیم. با این تقریر اشکالاتی که از جانب تقریر قدمات به این مطلب وارد می‌شد، پاسخ داده می‌شود؛ با این بیان که عنصر طبع و ذوق انسان در جریان وضع دخالت دارد و لازم نیست در همه جا به طور کامل رعایت شود و ظهور پیدا کند و به تبع مانیز آن را احساس کنیم. این مطلب باب جدیدی از اعجاز قرآن را می‌گشاید و آن رعایت تناسب ویژه الفاظ و هیئات و سیاقهای استفاده شده با معانی و مقاصد خداوند متعال می‌باشد.

نقد و بررسی

«چکیده» همان گونه که از عنوانش پیدا است باید موجز باشد و کاملاً به دور از اطناط و تطویل و حشو. چکیده باید سراسر است و بی‌پیرایه، مسأله تحقیق، نتیجه و فرضیه تحقیق و کلیات استدلال را برملا سازد. با توجه به این نکته می‌توان به عنوان مثال درباره پاراگراف اول متن فوق به قضاوت نشست. در ابتدای پاراگراف اول متن فوق، چهار پرسش مطرح شده‌اند که نگارنده در پی پاسخ آنها نیست. حذف این پرسش‌ها هیچ خدشه‌ای به مطلب وارد نمی‌سازد و مخاطب را سراسر با مسأله اصلی نوشتار مواجه می‌سازد. بله در متن اصلی می‌توان به عنوان زمینه سازی و تعیین جغرافیای مسأله تحقیق، سؤالات چهارگانه را مطرح نمود و به تدریج، ذهن خواننده را آماده طرح مسأله اصلی کرد. در پاراگراف اول، «سؤال بسیار مهم» که ظاهراً همان مسأله تحقیق است، در قالب سه عبارت پرسشی بیان شده است. عبارت اول، می‌پرسد: «چرا واضح، فلان لفظ را برای فلان معنا وضع کرد؟»، عبارت دوم، همین سؤال را با استفاده از کلمات «اصوات» و کلمه «هیئت» دوباره تکرار می‌کند. آشکار است که چون «لفظ»، «صوت معتمد بر مخارج فم» است، یعنی لفظ اخص از صوت است، سؤال اول، روشن تر از سؤال دوم است. سؤال سوم، طلب تصدیق است و پاسخی از جنس «بله» یا «خیر» می‌طلبد. مقصود از سؤال اول که طلب تصور است، تعیین سبب و چرایی وضع یک لفظ خاص برای معنایی خاص است. روشن است اسباب مختلفی در این زمینه قابل تصورند، اما آن سببی که مقاله فوق، به طور خاص با آن سر و کار دارد و می‌خواهد آن را اثبات کند، وجود ویژگی خاص در لفظ است. بنابراین توضیحات، سؤال سوم بسیار سراسر است و دقیق‌تر از سؤال اول و دوم است و می‌تواند به درستی، مسأله اصلی تحقیق قرار گیرد. بدین ترتیب می‌توان پاراگراف اول را به صورت کوتاه زیر بازنویسی کرد: «در مواجهه با الفاظ و ملاحظه نسبت آنها با معانی، این سؤال بسیار مهم به ذهن می‌رسد: آیا هر لفظ ویژگی‌های خاصی دارد که واضح، آن را برای معنای مورد نظر خویش برگزیده است و نه لفظی دیگر را؟»